

چگونگی مشارکت زنان ایرانی در تصمیم‌گیری‌ها

دکتر عدرا جاراللهی*

چکیده

هدف اصلی این مقاله، شناخت وضعیت زنان ایرانی در موقعیت‌های تصمیم‌گیری جامعه و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد. این بررسی در دو سطح کلان (جامعه، یعنی کشور) و خرد (خانواده) انجام شده است.

به رغم آن که زنان همواره نقش اول را در زمینه خانواده ایفا کرده‌اند و در انجام دادن کارهای خارج از خانه سابقه نسبتاً طولانی دارند، اما مردان همچنان از قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در خانه برخوردارند و مهمترین مشاغل مدیریتی جامعه که نیازمند تصمیم‌گیری‌های اساسی و سرنوشت‌ساز است، نیز در اشغال آنان می‌باشد.

مشارکت ناچیز زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امورخانه با پیامدهای نامطلوبی همراه است که مهمتر از همه عدم توانایی زنان برای برنامه‌ریزی صحیح در امور داخلی خانه و در نتیجه اتلاف وقت است. در هر دو بخش دولتی و غیر دولتی کشور، هر قدر به سطوح پائین‌تر تصمیم‌گیری نزدیک می‌شویم، اگرچه تعداد زن‌ها بیشتر می‌شود، اما هنوز قابل مقایسه با تعداد مردان نیست. بدون شک این امر از جمله موانع توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به شمار می‌آید.

ساختار اجتماعی جامعه و نگرش منفی نسبت به زنان از عوامل مهم در مشارکت ناچیز زنان در سطوح کلان و خرد است. علاوه بر آن، سطح تحصیلات زنان، وضعیت اشتغال زنان،

درآمد رئیس خانوار، پایگاه اجتماعی خانواده زن و نوع خانواده از جمله عوامل تعیین کننده میزان تصمیم‌گیری زنان در سطح خرد (خانواده) نیز می‌باشند.

طرح مسئله

زن در دوره‌های مختلف تاریخی در جوامع شهری، روستایی و عشایری علاوه بر آن که همواره نقش اول را در زمینه خانواده ایفا کرده، در خارج از خانه امور مربوط به بخش کشاورزی (نظیر کشت و زرع و دامداری)، بخش خدمات (نظیر پرستاری و معلمی) و در عصر جدیدتر، امور مربوط به بخش صنعت (نظیر کارهای مختلف در کارخانه‌ها) را نیز عهده‌دار بوده است. با این حال، ملاحظه می‌کنیم که مهم‌ترین شغل‌های مدیریتی که نیازمند تصمیم‌گیری‌های اساسی و سرنوشت‌ساز در سطح جامعه است، همواره در اشغال مردان بوده و زنان کم‌تر از آن بهره‌مند بوده‌اند. در ایران نیز با اینکه اصل بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^{**} بر ایجاد شرایط مساوی برای همه افراد جهت احراز مشاغل تأکید دارد، اما چنین به نظر می‌رسد که نوعی تقسیم کار جنسی از حیث تصدی مشاغل در سطوح مختلف مدیریتی در جامعه وجود دارد بدون این که جنبه قانونی داشته باشد. بدون شک، این امر موقعیت زنان را در نهاد خانواده که جدا از جامعه نیست، تحت تأثیر قرار داده است و به‌رغم نقش دیرینه آنان در امر خانه‌داری، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم مربوط به امور خانگی، توسط زنان کم‌تر اعمال شده است و در همان عرصه محدود هم که جامعه به آن‌ها واگذار کرده، گاه تسلیم بی‌چون و چرای تصمیمات همسر خود هستند.

صاحب‌نظران به این نتیجه رسیده‌اند که تساوی زنان و مردان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه یکی از راه‌های محقق شدن مفاهیمی از قبیل دموکراسی، برابری، توسعه، و عدالت اجتماعی است. بدین منظور نیز تلاش‌های بسیار زیادی از جانب گروه‌ها و سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی انجام گرفته

^{**} اصل بیست و هشتم: هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

است، نظیر گنجاندن ضرورت برابری زن و مرد در منشور سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم، «کنفرانس جهانی نایروبی»، «کنوانسیون رفع تبعیض از زنان (CEDAW)» در سال ۱۹۷۹ و «چهارمین کنفرانس جهانی زن» در سال ۱۹۹۵ در پکن.

اما همه زنان دنیا، از جمله زنان ایرانی هنوز برای رسیدن به جایگاه حقیقی خود، راه درازی پیش‌رو دارند. ناگفته نماند که در حال حاضر زنان ایرانی از حیث دارا بودن قدرت تصمیم‌گیری (در هر دو سطح کلان و خرد) در شرایطی به مراتب بهتر از برخی کشورهای در حال توسعه، منطقه‌ای و اسلامی قرار دارند.

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که وضعیت کنونی زنان ایرانی در موقعیت‌های تصمیم‌گیری چگونه است و عوامل مؤثر بر نقش ناچیز زنان در تصمیم‌گیری‌ها کدامند؟

ضرورت بررسی موضوع

امروزه باتوجه به نقش سازنده زنان در توسعه جوامع، رفع عقب‌ماندگی‌های آنان از جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و توانمندسازی آنان از اهمیت خاص جهانی برخوردار است. یکی از این جنبه‌های مهم، قدرت تصمیم‌گیری زنان است که از جمله دوازده هدف مورد توجه کار پایه عمل پکن در چهارمین کنفرانس جهانی زن (۱۳۷۴) نیز به شمار می‌رود. بنابراین، هدف اصلی این مقاله، شناخت وضعیت زنان ایرانی در موقعیت‌های تصمیم‌گیری جامعه و عوامل مؤثر بر آن است. این بررسی که در دو سطح کلان (جامعه، یعنی کشور) و خرد (خانواده) انجام خواهد شد، می‌تواند به ارتقای جایگاه زنان در تصمیم‌گیری‌ها در جامعه کمک کند.

از آنجا که هیچ پدیده اجتماعی خلق الساعه نیست و شناخت دقیق‌تر آن مستلزم پی‌بردن به تغییر و تحولاتی است که هر یک از آن‌ها در طول تاریخ داشته‌اند، ابتدا به‌طور خلاصه، نگاهی جامعه‌شناختی به قدرت تصمیم‌گیری زنان در گذشته می‌افکنیم؛ سپس جایگاه فعلی زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کشور و عوامل مهم در مشارکت اندک زنان در این تصمیم‌گیری‌ها بیان می‌شود. جایگاه زنان در تصمیم‌گیریهایی مربوط به خانواده، مبحث مهم بعدی است که به تفکیک شهر و روستا بیان شده است. بدون شک، عوامل متعددی در میزان این نوع تصمیم‌گیری مؤثر است. مهم‌ترین آن‌ها که

تحقیقات بدان دست یافته‌اند، معرفی می‌شوند. در پایان، از بحث حاضر نتیجه‌گیری شده و بر این اساس، چند پیشنهاد نیز ارائه گردیده است.

تحول تاریخی موقعیت زنان در تصمیم‌گیری

در منابع تاریخی آمده است که از زمان پیدایی انسان به روی زمین، زن و مرد هر دو کار می‌کردند و تقسیم کار بر حسب سن و جنس وجود داشته است. گروهی از مورخان چنین تحلیل می‌کنند: «در پایان دوران کهن سنگی دیرین است که تقسیم کار میان زن و مرد به وجود می‌آید، مردان به شکار مشغول می‌شوند و زنان و کودکان به جمع‌آوری میوه‌ها و گیاهان می‌پردازند...» (دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۶۹: ۲۳-۲۲). یکی از عواملی که زنان را در این سال‌ها به اداره امور مربوط به خانه و کشاورزی سوق داد، وظیفه دفاعی مردان بود که بیشتر اوقات سرگرم نبرد با دشمنان قبیله خود بودند و فرصت لازم را برای کار در خانه و مزرعه به دست نمی‌آوردند. کارکردن زن در مزرعه موجب شد تا او در کشاورزی مهارت و تخصص پیدا کند و به جای گردآوری حیوانات، خود به کاشتن دانه بپردازد. علاوه بر آن، به تدریج توانستند حیوانات را رام کنند و از آن‌ها علاوه بر استفاده‌های غذایی به منزله نیروی کار نیز بهره‌گیرند. ویل دورانت می‌گوید: «در اجتماعات ابتدایی، قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان افتاده است نه به دست مردان. در آن هنگام که قرن‌های متوالی مردان دائماً با طریقه‌های کهن خود به شکار اشتغال داشتند، زن در اطراف خیمه زراعت را ترقی می‌داده و هزاران هنر خانگی را ایجاد می‌کرده که هر یک روزی پایه صنایع بسیار مهمی شده است. همین زن ابتدایی از پنبه، نخست ریسمان و پس از آن پارچه را اختراع کرد، و نیز زن است که به اقرب احتمال سبب ترقی فن دوخت و دوز و نساجی و کوزه‌گری و سبذبافی و درودگری و خانه‌سازی گردید و هموست که غالب اوقات به کار تجارت می‌پرداخته است» (همان منبع، ۲۳).

در عصر نوسنگی، زن حتی به مقام روحانیت می‌رسید. در مراسم رقص‌های مذهبی نیز مقامی والا داشت. در حفاری‌های تخت جمشید، تپه ارسنجان و شهرری (چشمه علی) نشانه‌هایی به دست آمده است که مؤید این امر است (همان منبع، ۲۴).

بایرتری‌هایی که زن در امور اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی به دست آورد، دوره‌ای در زندگی بشر به نام عصر زن سالاری (= مادرشاهی) آغاز شد. در این دوره، واحد خانواده به طایفه مادر تعلق داشت. شوهر وارد خانواده زن می‌شد و در صورت داشتن معایب، زن می‌توانست او را طرد کند. اداره‌کنندگان امور خانه و سازمان دهندگان امر تولید زنان بودند، علاوه بر آن که طبیعت، بچه‌آوری را بر عهده زنان نهاده بود. دفاع از قبیله در برابر دشمنان تنها وظیفه مردان بود که با همه اهمیتش در برابر وظایف زنان، برجستگی لازم را نداشت (همان منبع، ۲۵ - ۲۶). ویل دورانت بر این عقیده است که «نظم خانواده در ابتدای امر متکی بر مادر بود و پدر منزلتی ناچیز داشت. زن که در این دوره هنوز تحت تسلط اقتصادی و تملک قهری مرد در نیامده و شخصیتی سرکوفته نشده بود، اندیشه و خرد و استعدادی آزاد داشته و با کمال قدرت بر کلیه اموری که بر آن حکومت می‌کرده مسلط بوده و تمامی مسائل را به عدالت حل و فصل می‌کرده است» (مسعودی، ۱۳۷۷: ۱۹).

دوره زن‌سالاری در فلات ایران با وجود شباهت‌هایی که با جوامع دیگر داشت، از ویژگی‌های خاص خود برخوردار بوده است. «در این عصر اغلب ارباب انواع به شکل زنان زیبا و خوش‌اندام و مظهر خرد و دانش تصویر شده‌اند. در موزه برلین مجسمه‌ای نگهداری می‌شود به نام ناپیراسو Napirasow که در کوه‌های زاگرس ایران پیدا شده است. چهره و اندام این مجسمه زنانه است و نشان دهنده دوران قدرت زن در جامعه به شمار می‌رود» (دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۶۹: ۲۷).

پس از گذشت هزاران سال از دوره برتری زن، سپس یک دوره تساوی قدرت بین زن و مرد، عصر مردسالاری (= پدرشاهی) آغاز شد که تا امروز به گونه‌ای ادامه دارد. با رشد دامداری و کشاورزی و اختصاص پاره‌ای از حرفه‌های صنعتی و هنری به مردان، مرد به تدریج عهده‌دار کارهای تولیدی گشت و از وظایف زنان که همه‌کاره بودند کاسته شد و به کارهای درون خانه محدود گردید به طوری که در پاره‌ای از جماعات بشری، زنان در حد بردگانی که کارهای خانگی را انجام می‌دادند قرار گرفتند (همان منبع، ۲۸). عصر مادها در ایران عصر مساوات زن و مرد و نیز جانشینی عصر پدرشاهی به جای عصر مادرشاهی است. این قوم - که از آغاز سده هفتم پیش از میلاد تا زمان پادشاهی

کورش بر ایران حکومت کردند - به مقام زن در جامعه ارج نهاده، حقوق و امتیازات بسیاری برای او مقرر داشتند.

در زمان هخامنشیان، با این که مقام و منزلت اجتماعی زنان نسبت به گذشته کاهش پیدا کرد، اما همچنان در امور سیاسی، جنگ‌ها، امور خانوادگی و در تعلیم و تربیت فرزندان نقش شایسته‌ای داشتند و همراهی و همگامی زن با مرد در همه شئون زندگی معمول بوده است.

با سلطه اشکانیان، منزلت اجتماعی زنان - اعم از «زن درباری» و «زن در متن جامعه» باز هم تنزل یافت.

در دوره ساسانیان، خانه‌نشینی زن‌ها که نه تنها بر اثر شرایط اجتماعی، بلکه توسط دین زرتشت نیز تقویت می‌شد، سبب گردید تا کار مردها با ارزش‌تر از کار زن‌ها جلوه کند و مردها باهوش‌تر از زن‌ها تصور شوند و در نتیجه، مقام اجتماعی زن تنزل یابد. بدین ترتیب، زنان از هر لحاظ تحت سرپرستی مرد (رئیس خانوار) قرار گرفتند، تا جایی که زن بیوه مظهر بی‌پناهی و رنجوری بود. انسان مذکر هم از حرمت و مزایای حقوقی بسیاری برخوردار می‌شد، هم مسئولیت تأمین معاش زن و فرزندان را برعهده داشت. این دوره، آخرین عصر تاریخ شاهنشاهی پیش از ظهور اسلام است. ارزش‌های متعالی فراموش شده زن در ایران باستان و عصر جاهلیت اعراب با ظهور اسلام بار دیگر مورد توجه قرار گرفت. در قرآن مجید، آیه‌های بسیاری وجود دارد که مبین تساوی بین زن و مرد و منزلت بالای زن است (مانند: سوره اعراف، آیه ۱۸۹؛ سوره نساء آیه‌های ۷، ۳۲؛ سوره ممتحنه آیه ۱۲). با این حال، انحرافات که بعداً در نظام اجتماعی مسلمانان روی داد موجب تقویت انزوای زن‌ها و خنثی گردیدن تعالیم تساوی طلبانه اسلامی شد. حتی به رغم تشویق و ترغیب دین اسلام به دانش‌اندوزی و سوادآموزی، این امر عملاً در مورد زنان رواج نیافت.

در دوره قاجاریه نیز وضع مشابهی وجود داشت. با این که کار زنان اساساً محدود به کارهای درون خانه بود، اما وابستگی آنان به مردان برای امرار معاش موجب شده بود تا مرد تصمیم‌گیرنده امور و زن فرمانبردار باشد. حتی گاهی مردان با زنان مانند ما یملک خود رفتار می‌کردند. با این حال، وقایعی در دوره قاجاریه سبب تغییر در ساختار

اجتماعی - اقتصادی جامعه و در نتیجه دگرگونی در زندگی و موقعیت اجتماعی زنان پایتخت و شهرهای بزرگ و حتی زنان ایلات و روستاها شد اگر چه این تغییرات کند بود. یکی از آن وقایع، ارتباط وسیع‌تر ایران با تمدن صنعتی غرب بود؛ زیرا توسعه سرمایه‌داری اروپایی سبب شد تا ایران وارد بازار جهانی شود. تقاضاهای زیاد برای تولیدات کشاورزی و صنایع دستی، روش زندگی آن‌ها را تا حدودی تحت تأثیر قرار داد. این زنان که مواد و کالاهای فوق‌الذکر را برای بازار تولید می‌کردند، باعث درآمد بیش‌تر می‌شدند بدون این که از دسترنج خود نفعی ببرند. اضافه شدن نقش آن‌ها در تولید به نقش‌های سنتی مادر و همسر که همچنان ادامه داشت، فشار بیش‌تری را نسبت به گذشته بر آن‌ها وارد آورد. ولی این مشارکت در تولید، قدرت آن‌ها را در خانواده بیش‌تر کرد و میزان جدایی دنیای زنان را از مردان تقلیل داد (Nashat, 1983: 16).

وقوع انقلاب مشروطیت در این دوره (چهاردهم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ هجری قمری) عامل دیگری در متحول شدن وضع اجتماعی زنان بود، زیرا اصل هشتم متمم قانون اساسی مشروطیت، مردم ایران را در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق اعلام کرده بود. چنین وقایعی موجب شد تا به تدریج فرصت‌های تحصیلی و شغلی برای زنان بیش‌تر شود و نیز نگرش جامعه ایرانی نسبت به منزلت اجتماعی زن در جهت اعتبار بخشیدن به او افزایش یابد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی (در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷) در قانون اساسی علاوه بر این که تحقق وظایف مادری برای زنان تأکید شده و در این خصوص، حمایت‌های لازم از آنان، به خصوص در دوره بارداری و حضانت فرزند پیش‌بینی شده است - به استثنای اصل ۱۱۵ که بر اساس آن، زن نمی‌تواند رئیس جمهور شود - زن و مرد از نظر تحصیل علم و اشتغال به کار از حقوق اجتماعی یکسان برخوردارند. با این همه، هم در عرصه عمومی، هم در خانواده، مردان در مقایسه با زنان از موقعیت اجتماعی برتر و به تبع آن، از قدرت تصمیم‌گیری بیش‌تری برخوردارند که در ادامه بدان می‌پردازیم.

مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در کشور

براساس آخرین آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بی‌کاری خانوار در سال ۱۳۷۷، از

کل زنان و مردان ده ساله و بالاتر کشور، ۳۱/۹۳٪ شاغل بوده‌اند که به تفکیک جنس، از کل زنان ده ساله و بالاتر، ۱۰/۲۳٪ و از کل مردان ده ساله و بالاتر، ۵۳/۳۹٪ شاغل بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۷: هفده). مقایسه این آمار با نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ که از کل زنان و مردان ده ساله و بالاتر، ۳۲/۱۰٪ و به تفکیک جنس، ۷/۸۹٪ از کل زنان ده ساله و بالاتر و ۵۵/۶۶٪ از کل مردان ده ساله و بالاتر شاغل بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵: ۱۰۹) مبین حضور بسیار اندک زنان در بازار کار است. باتوجه به این که زنان حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، شاغل بودن تنها ۱۰/۲۳٪ از زنان ده ساله و بالاتر و نیز مشاهده حضور اندک زنان در مشاغل مدیریتی، به خصوص در سطوح بالاتر، خود دلایل قانع‌کننده‌ای است که بتوان قضاوت کرد که: نقش مردان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به عرصه عمومی (جامعه) اساسی‌تر و مهم‌تر از نقش زنان در همین زمینه است. آمارها تأییدی بر صحت این ادعا است که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آن‌ها به تفکیک دو بخش دولتی و غیردولتی اشاره می‌شود.

بخش دولتی

در قوه مقننه از تعداد ۲۹۰ نماینده در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی (مجلس فعلی) تنها یازده نماینده زن وجود دارد؛ در حالی که در مجلس پنجم از بین ۲۷۰ نماینده، چهارده نماینده زن بودند.

در دستگاه قضایی کشور حدود ۱۳۰ زن در سمت‌های گوناگون مانند قاضی تحقیق، مشاور دادگاه، مشاور و امثال آن مشغول به کار هستند (شبکه ارتباطی سازمانهای غیردولتی زنان، ۱۹۹۹: ۴۷).

در بخش اجرایی، بالاترین منصب احراز شده توسط زنان، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست (یک نفر) و پس از آن مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز امور مشارکت زنان (یک نفر) است.

حدود یک‌هزار زن نیز جزو مدیران ارشد دولتی هستند.

در ۳۵ شورای عالی کشور، فقط حدود پنج زن در دو شورا (شورای فرهنگی، اجتماعی زنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی حفاظت محیط زیست)

حضور دارند و در ۳۳ شورای عالی دیگر کشور هنوز زنی راه نیافته است. دو زن در جایگاه معاون وزیر (معاون پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و معاون حقوقی و پارلمانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) اشتغال به کار دارند.

از بین شهرداران مناطق بیست‌گانه تهران، تنها یک زن شهردار است. از بین کل رؤسای دانشگاه‌های کشور (۸۶ نفر)، تنها یک زن رئیس دانشگاه است. در صنعت، حدود چهار زن در رده‌های مدیریتی ستادی هستند. در ۲۸۰ کمیسیون امور بانوان در استان‌ها و شهرهای کشور، تعدادی زن عضویت دارند.

در سطوح بالای تصمیم‌گیری و اجرایی نیروی مقاومت خواهران بسیج، حدود ۴۵ زن در جایگاه سرتیپی فعالیت دارند. در شوراهای اسلامی شهر و روستا که برای اولین بار در سال ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) در ایران برگزار شد، تعداد ۱۱۲۰ زن به این شوراها راه یافتند (شبکه ارتباطی سازمانهای غیردولتی زنان، ۱۹۹۹: ۴۴-۴۷).

بخش غیردولتی

حدود ۵۱۰۰ تعاونی زنان، اکثراً توسط زنان اداره می‌شوند. حدود ۱۲۰ تعاونی زنان روستایی و ۱۵۰ باشگاه دختران روستایی، هم‌چنین شبکه زنان تولیدکننده محصولات خانگی از جمله سازمان‌های غیردولتی هستند که عموماً توسط زنان اداره می‌شوند.

پایگاه‌های مردمی بسیج خواهران در مساجد، حسینیه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و در میان عشایر را حدود ۱۲۷۰۶ مدیر داوطلب زن بدون هرگونه حقوق و مزایا اداره می‌کنند.

دو زن در کانون عالی شوراهای اسلامی کار و حدود پانزده زن در بالاترین رده‌های تشکیلاتی آن در سراسر کشور فعالیت دارند.

حدود ۱۵۰۰ زن در سِمَت رابطان بهداشت، خدمات بهداشتی را به زنان ارائه

می دهند (شبکه ارتباطی سازمانهای غیردولتی زنان، ۱۹۹۹: ۴۸-۴۹). مطالب فوق به طور خلاصه در دو جدول زیر منعکس شده است.

تعداد زنان در سطوح نسبتاً بالای تصمیم‌گیری در بخش دولتی بر حسب قوای سه‌گانه

تعداد	سمت	قوای سه‌گانه
یازده نفر (از ۲۹۰ نفر نماینده)	- نماینده در ششمین دوره مجلس شورای اسلامی (فعلی)	مقننه:
حدود ۱۳۰ نفر	- قاضی تحقیق، مشاور دادگاه، مشاور و امثال آن	قضایه:
یک نفر	- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست	مجریه:
یک نفر	- مشاور رئیس جمهور و رئیس مرکز امور مشارکت زنان	
حدود یک هزار نفر	- مدیران ارشد دولتی	
حدود پنج نفر	- عضویت در دو شورای عالی کشور (از ۳۵ شورای عالی)	
دو نفر	- معاون وزیر	
یک نفر (از ۲۰ شهردار مناطق تهران)	- شهردار	
یک نفر (از ۸۶ نفر)	- رئیس دانشگاه	
حدود چهار نفر	- در رده‌های مدیریتی ستادی در بخش صنعت	
تعدادی	- عضویت در ۲۸۰ کمیسیون امور بانوان در استان‌ها و شهرهای کشور	
حدود ۴۵ نفر	- در جایگاه سرتیپی	
حدود ۱۱۲۰ نفر	- عضویت در شوراها و شوراهای اسلامی شهر و روستا	

تعداد تقریبی زنان در سطوح تصمیم‌گیری در بخش غیردولتی

تعداد	سمت
حدود ۵۱۰۰ نفر	- اداره‌کنندگان تعاونی زنان
توسط زنان	- اداره‌کنندگان ۱۲۰ تعاونی زنان روستایی و ۱۵۰ باشگاه دختران روستایی و شبکه زنان تولیدکننده محصولات خانگی
حدود ۱۲۷۰۶ نفر	- اداره‌کنندگان پایگاه‌های مردمی بسیج خواهران
حدود ۱۷ نفر	- عضویت در کانون عالی شوراهای اسلامی و نیز در بالاترین رده‌های تشکیلاتی آن
حدود ۱۵۰۰ نفر	- رابطان بهداشت

عوامل مؤثر در مشارکت کم‌زنان در تصمیم‌گیری‌های کشور

دو عامل مهم در سطح کلان در قرار گرفتن مردان در رأس هرم قدرت و تصمیم‌گیری‌ها مؤثر است:

- ۱- ساختار اجتماعی جامعه. این ساختار چنانچه در تاریخچه موضوع آمد، خود معلول تغییر و تحولاتی است که در طول تاریخ از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در این سرزمین به وجود آمده و طی آن کار خارج از خانه به مرد و کار درون خانه به زن واگذار شده که تا به امروز کم و بیش ادامه یافته است. این تقسیم کار سنتی موجب شده تا مرد محور تصمیم‌گیری‌های مهم در زندگی عمومی (جامعه) باشد.
- ۲- نگرش منفی نسبت به زنان. چنین نگرشی که ناشی از رسوم ریشه‌دار است، موجب شده تا مردان برتر از زنان تصور شوند و توانایی‌های زن در عرصه اجتماعی نادیده گرفته شود، در نتیجه مشاغل مدیریتی به خصوص در سطوح بالاتر به مردان اختصاص یابد.

جدیدترین پژوهشی که در این زمینه انجام شده، پژوهشی است با عنوان «بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران» که در سال ۱۳۷۵ در ۱۵ شهر ایران اجرا شد. در این پژوهش در پاسخ به این پرسش که: به نظر شما به طور کلی مردم در جامعه بیشتر به زن اهمیت می‌دهند یا به مرد؟ از میان پاسخگویان، ۵۹/۹٪ مرد،

۵/۲۱٪ زن و مرد مساوی و فقط ۴/۱۳٪ زن را نام برده‌اند (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۳۳). همین موقعیت برتر مردان در جامعه در نگرش مرد و زن به تفکیک نیز مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۱- توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها نسبت به اهمیت هر یک از دو جنس در جامعه و به تفکیک جنس

کل	نامشخص		اهمیت‌هر دو مساوی است		مرداهمیت بیشتر دارد		زن‌اهمیت بیشتر دارد		آراء جنس پاسخگو	
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%		
	%		%		%		%			
۴۹/۷	۱۷۶۰	۶/۱	۱۰۷	۲۴/۲	۴۲۶	۵۶/۰	۹۸۵	۱۳/۸	۲۴۲	مرد
۵۰/۳	۱۷۸۰	۴/۳	۷۶	۱۸/۸	۳۳۵	۶۳/۹	۱۱۳۷	۱۳/۰	۲۳۲	زن

مأخذ: منوچهر محسنی. بررسی نگرشها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران. ۱۳۷۹: ۲۴۲.

$$X^2 = ۲۱/۲۱۰ \quad P_0 = ۰/۰۰۰$$

براساس جدول شماره ۱، در گروه مردان، ۵۶٪ معتقدند که جامعه برای مرد اهمیت بیش‌تری قائل است، ۲۴/۲٪ هر دو مساوی و ۱۳/۸٪ زن را نام برده‌اند. در گروه زنان به ترتیب ۶۳/۹٪ مرد، ۱۸/۸٪ هر دو مساوی و ۱۳٪ زن را ذکر کرده‌اند. به عبارت دیگر، هر دو جنس معتقدند که جامعه به مرد بیش از زن اهمیت می‌دهد.

بالطبع، به تبع وجود این نگرش منفی نسبت به موقعیت زن در جامعه، در پاسخ به این پرسش که: اگر امکان داشت دو مرتبه به دنیا بیایید، ترجیح می‌دادید زن بودید یا مرد؟ در گروه مردان ۶۴/۳٪ مرد و ۱۰/۶٪ زن را نام برده‌اند؛ در گروه زنان، ۳۸/۷٪ مرد و ۳۶/۲٪ زن را ذکر کرده‌اند (محسنی، ۱۳۷۹: ۲۳۵).

در کشوری که نزدیک به نیمی از جمعیت آن را زنان تشکیل می‌دهند، ساختار سنتی و مرد سالاری موجب شده که تنها نزدیک به چهار درصد از نماینده‌های مردم در مجلس زن باشند و تاکنون هیچ زنی رییس مجلس نشده باشد. در قوه قضاییه، بالاترین مشاغل (نظیر رییس این قوه و رییس دیوان عالی کشور در اشغال مردان است. پس از انقلاب اسلامی با تغییر رژیم سیاسی کشور از شاهنشاهی به جمهوری اسلامی نه تنها تاکنون هیچ زنی رییس جمهور نشده، بلکه در میان نوزده وزیر فعلی کشور هم هیچ زنی مشاهده نمی‌شود. البته این موضوع جدیدی نیست. قبل از انقلاب اسلامی، یک وزیر

زن (در آموزش و پرورش) در کابینه حضور داشت. در وزارت آموزش و پرورش به رغم آن‌که نیمی از کارکنان و نیمی از دانش‌آموزان را زنان و دختران تشکیل می‌دهند، مدیران ارشد زن در سطوح تصمیم‌گیری مشاهده نمی‌شوند.

ملاحظه می‌شود که در بخش دولتی هر قدر به سطوح پایین‌تر تصمیم‌گیری نزدیک می‌شویم، اگرچه تعداد زن‌ها بیشتر می‌شود، اما هنوز قابل مقایسه با مردان نیست. در بخش غیردولتی، وضع به همین منوال است. زیرا مراکزی که اداره آن‌ها به‌عده زنان واگذار شده، در مراتب پایین‌تری از ساختار اداری جامعه قرار دارند.

جایگاه زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده

هنگامی که در سطح جامعه تفاوت‌های مشهود بین زن و مرد و به نفع مرد وجود دارد، نباید انتظار داشت که در خانه موقعیت زنان - به‌رغم وجود تقسیم‌کار سنتی - برتر از موقعیت مردان باشد. در پژوهشی تحت عنوان بررسی نگرشها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، در مورد تصمیم‌گیران و فرآیند تصمیم‌گیری در خانه، در پاسخ به این پرسش که: در خانواده شما معمولاً چه کسی تصمیمات اصلی را می‌گیرد؟ از کل پاسخگویان به ترتیب، ۳۷٪ زن و شوهر، ۳۵/۵٪ شوهر، ۱۷٪ تمام افراد و فقط ۶/۸٪ زن را نام برده‌اند (محسنی، ۱۳۷۹: ۹۸). همین موقعیت برتر مردان در مقایسه با زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانه، در نگرش مرد و زن به تفکیک نیز مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۲ - توزیع پاسخگویان بر حسب نظر آن‌ها نسبت به

تصمیم‌گیرنده اصلی در خانه و به تفکیک جنس

آراء جنس پاسخگو	شوهر تصمیم گیرنده اصلی است		زن تصمیم‌گیرنده اصلی است		زن و شوهر باهم تصمیم می‌گیرند		تمام افراد تصمیم می‌گیرند		سایر افراد		نامشخص	
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%		
مرد	۶۴۷	۳۶/۸	۷۷	۴/۴	۶۴۹	۳۶/۹	۳۲۳	۱۸/۴	۴۳	۲/۴	۲۱	۱/۲
زن	۶۱۰	۳۴/۳	۱۶۲	۹/۱	۶۶۲	۳۷/۲	۲۸۰	۱۵/۷	۳۵	۲/۰	۳۱	۱/۷

مأخذ: منوچهر محسنی. بررسی آگاهی‌ها و ... ۱۳۷۹، صفحه ۱۲۱.

$$X^2 = ۳۵/۳۰ \quad P_0 = ۰/۰۰۰$$

گروه مردان، تصمیم‌گیرنده اصلی در خانه را به ترتیب، ۳۶/۹٪ زن و شوهر، ۳۶/۸٪ شوهر، ۱۸/۴٪ تمام افراد و تنها ۴/۴٪ زن ذکر کرده‌اند. در گروه زنان، تصمیم‌گیرنده اصلی در خانه، به ترتیب، ۳۷/۲٪ زن و شوهر، ۳۴/۳٪ شوهر، ۱۵/۷٪ تمام افراد و تنها ۹/۱٪ زن ذکر شده است.

مقایسه این تحقیق با تحقیق سال ۱۳۵۳ با عنوان گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، اگرچه نشان می‌دهد که هرم قدرت تصمیم‌گیری در خانه با تقلیل نصف برای مردان به نفع زن تغییر یافته، اما همچنان مرد از قدرت بیشتری در خانه برخوردار است. در تحقیق سال ۱۳۵۳ از کل پاسخگویان، ۷۲٪ مردان و ۱۱٪ زنان را محور اصلی تصمیم‌گیری در خانه ذکر کرده بودند (اسدی و محسنی، ۱۳۵۳: ۱۵۶).

در جوامع روستایی وضع زنان از نظر تصمیم‌گیری‌های درون خانه نیز چنین است. تحقیقاتی که تاکنون در روستاهای ایران انجام شده نشان می‌دهد که به‌رغم نقش چندجانبه‌ای که زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی (شامل فعالیت‌های زراعی، دامداری و صنایع دستی) و خانه‌داری دارند، اما به دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعدد، در امر رهبری و تصمیم‌گیری در خانه نقش ناچیزی ایفا می‌کنند تا آن‌جا که عدم توانایی در تصمیم‌گیری‌های عمده توسط آنان در اغلب زنان این قشر درونی شده، قابلیت‌های وجودی خود را باور ندارند، لذا معتقدند که تصمیم‌گیری‌های اساسی باید توسط مردان اتخاذ گردد. از جمله این تحقیقات می‌توان به «بررسی اجتماعی و اقتصادی نقش زنان در روستای آهندان» (مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی، ۱۳۶۹)، «بررسی نقش و پایگاه اجتماعی زن در جامعه روستایی ایران با تأکید بر منطقه ایوانکی» (مطیع، ۱۳۶۶) و «بررسی جنبه‌هایی از اثرات اشتغال زن در خانواده‌های روستایی اطراف تهران» (مشهور، ۱۳۵۵) نام برد.

تحقیق دیگری که در قشر کارگر انجام شده به همین نتیجه دست یافته است. این بررسی نشان می‌دهد در حالی که همکاری مردان با همسرانشان در کارهای خانه بسیار کم است، اما تصمیم‌گیرنده اصلی مرد است، نه همسر او. از میان زنان پاسخگو، ۸۷/۲٪ از همکاری کم، ۱۱/۷٪ از همکاری متوسط و فقط ۱/۲٪ از همکاری زیاد همسر خود برخوردارند (جاراللهی، ۱۳۷۱: ۱۸۴). علاوه بر آن، زنان در پاسخ به این پرسش که: فکر

می‌کنید چه کسی باید عهده‌دار کارهای خانه باشد؟ ۸۰٪ زن را مسئول دانسته‌اند و ۲۰٪ بقیه به مسئولیت مشترک زن و شوهر در این زمینه اشاره کرده‌اند (همان منبع، ۱۸۲ - ۱۸۱). در مقابل این همکاری ناچیز مردان و نیز اعتقاد سنتی زنان به اختصاص داشتن کارهای خانه به آنان، ۶۲٪ پاسخگویان (زنان) معتقدند که مرد باید در خانه تصمیم‌گیرنده باشد؛ ۳۲/۲٪ این حق را به زن و مرد هر دو می‌دهند؛ و فقط ۵/۸٪ عقیده دارند که تصمیم‌گیری در امور خانه باید به عهده زن باشد (همان منبع، ۱۶۷ - ۱۶۶). در عمل نیز از بین زنان پاسخگو، ۵۰٪ از قدرت تصمیم‌گیری کم، ۴۶/۵٪ متوسط و فقط ۳/۵٪ از قدرت زیاد برخوردارند (همان منبع، ۱۶۸). بدین ترتیب، شاهد غلبه الگوهای رفتاری سنتی بر خانواده‌ها هستیم.

مشارکت کم‌زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به انجام دادن امور خانه با پیامدهای نامطلوبی همراه است که مهم‌تر از همه سلب توانایی از آنان برای برنامه‌ریزی صحیح در امور داخلی خانه است که در نهایت، خود ممکن است منجر به اتلاف وقت و بسیاری از امکانات دیگر شود. در همین پژوهش، در پاسخ به این پرسش که: در صورتی که وقت آزاد دارید، این اوقات را بیش‌تر چگونه می‌گذرانید؟ مشخص شد که اوقات فراغت اکثر زنان خانه‌دار بیهوده تلف می‌شود، زیرا بیش‌تر به صحبت کردن با همسایه‌ها یا سایر افراد می‌گذرد (همان منبع، ۲۳۴).

عوامل مؤثر در میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده

گذشته از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و نیز نگرش منفی نسبت به زنان (عوامل سطح کلان) که در میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانه نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، مهم‌ترین عوامل مؤثر در سطح خرد که تحقیقات بدان دست یافته‌اند، عبارتند از:

۱- سطح تحصیلات زنان: تحقیقاتی که تاکنون در این زمینه در جوامع مختلف - اعم از شهری و روستایی - انجام شده نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات زنان، قدرت تصمیم‌گیری آنان در خانه افزایش می‌یابد. از جمله این تحقیقات می‌توان به بررسی آگاهی‌ها و... در پانزده شهر ایران اشاره کرد (محسنی، ۱۳۷۹: ۹۸).

۲- وضعیت اشتغال زنان: پایگاه حقوقی شغل زن یکی از معنی دارترین عوامل تعیین کننده قدرت وی در خانواده است. زنان شاغل به دلیل کسب درآمد و برخوردار شدن از استقلال مالی در مقایسه با زنان خانه دار از قدرت تصمیم گیری بیش تری در خانه برخوردار می شوند و از قدرت همسران آنان کاسته می گردد؛ اگرچه همان گونه که شرح آن رفت، هنوز مردان از قدرت تصمیم گیری بیش تری در خانه برخوردارند (جاراللهی، ۱۳۷۱: ۱۶۸-۱۶۹). تحقیقات روستایی نشان می دهد که به رغم سهم نسبتاً زیاد زنان در کارهای تولیدی - که حتی گاه نظیر روستای آهندان بیش از مردان است - اما آنان نقش بسیار ناچیزی در تصمیم گیری های تولیدی و نیز تصمیم گیری های مربوط به اداره امور خانواده دارند و با افزایش این سهم، مشارکت آنان در تصمیم گیری ها افزایش نمی یابد؛ دلیل این عدم افزایش آن است که فعالیت های تولیدی زنان جزو وظایف خانگی آنان محسوب می گردد و در نتیجه، مزدی به آنان تعلق نمی گیرد. به عبارت دیگر، آنان جزء «کارکنان خانوادگی بدون مزد» هستند. اما در همین محیط های روستایی هنگامی که زن در قبال کار خود مزد دریافت می کند و شاغل محسوب می گردد. قدرت تصمیم گیری او در خانه افزایش می یابد (مشهور، ۱۳۵۵: ۴۷-۷۲).

۳- درآمد رییس خانوار: بررسی نگرش ها و در پانزده شهر ایران نشان می دهد که با ۹۹٪ اطمینان می توان قضاوت کرد که با افزایش درآمد رییس خانوار، قدرت مردان در خانه کاهش یافته، اختیارات آنان به زنان یا زن و شوهر هردو تفویض می گردد (محسنی، ۱۳۷۹: ۹۹).

در روستاها نیز چنین وضعی مشاهده می گردد. تحقیقات در این زمینه نشان می دهد که با افزایش میزان زمین و دام همسر (نبی زاده، ۱۳۷۴: ۱۳۲-۱۳۳) یا در مفهوم عام تر از آن، با افزایش رفاه نسبی خانواده (مطیع، ۱۳۶۶: ۱۵۶) دخالت زن روستایی در تصمیم گیری های خانگی سیر صعودی پیدا می کند.

۴- پایگاه اجتماعی خانواده زن: در بحث تاریخی مشاهده شد که هرگاه منزلت اجتماعی زن در جامعه افزایش یافته، قدرت تصمیم گیری او در امور مربوط به خانواده نیز بیش تر شده است. تحقیقات تجربی انجام شده ای چند در سطح خرد نیز مؤید این امر است. این تحقیقات نشان می دهند که هرچه پایگاه اجتماعی خانواده زن - اعم از خانواده

پدري يا خانواده فعلی او - بالاتر باشد، مشارکت زن در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی بیشتر می‌شود (نبی‌زاده ۱۳۷۴: ۱۳۴ و ۱۳۰).

۵- نوع خانواده: مقایسه ساخت دو نوع خانواده هسته‌ای و گسترده نشان می‌دهد که زنانی که در خانواده‌های هسته‌ای (زن و شوهری) زندگی می‌کنند، به دلیل برخورداری بیشتر از استقلال، در مقایسه با زنانی که در خانواده‌های گسترده زندگی می‌کنند، موقعیت آنان در خانواده ارتقا یافته، در نتیجه، مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر می‌شود.

علاوه بر عوامل مهم یادشده، پژوهش‌ها به اثر عوامل دیگری نظیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و ماهیت کار زنان از نظر درجه دشواری در میزان قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانه دست یافته‌اند.

نتیجه

قدرت اجتماعی برتر مردان نسبت به زنان در تصمیم‌گیری‌های مهم کشور و نیز عوامل مربوط به زن و خانواده، از اعمال قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های اساسی خانواده کاسته تا حدی که این امر به ویژه در قشرهای پایین‌تر جامعه، درونی شده است و زنان چنین حقی را برای خود کم‌تر قائلند.

عوامل مهمی که تحقیقات تاکنون در این زمینه بدان دست یافته‌اند و در بالا اشاره شد، تصمیم‌گیران و مدیران اجرایی کشور را یاری می‌دهد تا بتوانند در جهت افقی شدن هرم قدرت در خانواده گام بردارند.

استنتاج و پیشنهادها

باتوجه به آن چه گذشت در می‌یابیم که تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی در طول تاریخ، منزلت اجتماعی زنان و به تبع آن قدرت تصمیم‌گیری آنان را دستخوش تغییر کرده است. بدین معنی که هرگاه جامعه برای مقام و موقعیت اجتماعی زنان اهمیت قائل بوده، زن توانسته همراه با مردان گام بردارد و حتی دست به نوآوری زند و با کاهش این اهمیت که معمولاً دورماندن از فعالیت‌های اجتماعی زنان را بدنبال داشته، قدرت تصمیم‌گیری آنان کاهش یابد. جهت این تغییرات، از دوره

مادرسالاری، به دوره تساوی قدرت بین زن و مرد و بالاخره دوره مردسالاری بوده که تا به امروز ادامه یافته است.

در حال حاضر، مشارکت زنان در فرآیند تصمیم‌گیری در جامعه به خصوص در مشاغل مدیریتی در سطح بالا ناچیز است. حضور چشمگیر زنان در عرصه مدیریت پیش‌تر در سازمان‌هایی است که خاص زنان ایجاد شده است و این سازمان‌ها هم‌بیش‌تر مربوط به بخش غیردولتی هستند و در رده‌های خیلی بالای مراجع تصمیم‌گیری جامعه نیز به حساب نمی‌آیند.

قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده - اعم از شهری و روستایی - نیز به همین منوال است. به رغم انجام‌گرفتن کارهای خانه توسط زن، هنوز مرد از قدرت بیش‌تری برخوردار است.

نتایج تحقیقات مبین وجود عواملی در این نابرابری جنسیتی است. در سطح کلان، دو عامل مهم ساختار اجتماعی و نگرش منفی جامعه نسبت به زن از مهم‌ترین عوامل بازدارنده شکوفایی توانایی‌های زنان در عرصه‌های عمومی و عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم جامعه است. در خانواده، پایین بودن سطح تحصیلات زنان، غیر شاغل بودن آنها، پایین بودن درآمد رییس خانوار، پایین بودن پایگاه اجتماعی خانواده زن و زندگی در خانواده گسترده، مهم‌ترین موانع ابراز قدرت آنها در تصمیم‌گیری‌ها است. بدون شک، هر یک از این عوامل فردی و خانوادگی (سطح خرد) در وضعیت اجتماعی زنان در عرصه‌های مختلف زندگی عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و متقابلاً عوامل مربوط به جامعه کل در وضعیت خانوادگی آنان نیز مؤثر است.

به‌رغم اعمال قدرت ناچیز کنونی زنان در عرصه‌های مختلف زندگی (به خصوص در جامعه)، براساس آن چه گذشت، چنین به نظر می‌رسد که جامعه ایران در آینده به سوی رفع تبعیض دو جنس پیش می‌رود. یعنی هم مشارکت زنان در مراجع تصمیم‌گیری بیش‌تر خواهد شد، هم با خانواده‌هایی سروکار خواهیم داشت که هرم قدرت در آنها بیش از گذشته به سوی افقی شدن خواهد بود. برای تسریع در چنین امری باید اقداماتی جهت برقراری توازن جنسیتی در بخش‌های مختلف قضایی، قانونگذاری و اجرایی و نیز خانواده به‌عمل آید. بدین منظور، چند پیشنهاد در ذیل ارائه می‌گردد. ناگفته نماند که

توجه به مسئله مدیریت زنان و افزایش قدرت تصمیم‌گیری آنان نه فقط به منظور برخوردار کردن آنان از حقوق خانوادگی - اجتماعی خود، بلکه به خاطر توانا ساختن آنان برای مواقعی که زن - به دلایلی نظیر نداشتن همسر یا ناتوان بودن همسر او در ایفای نقش‌های مربوط به مقام سرپرستی خود - سرپرست خانوار محسوب می‌شود، ضروری است.

پیشنهادها

- ۱- با توجه به نقش مهم سواد در توانا ساختن زنان در تصمیم‌گیری‌ها، باید با از بین بردن باورهای منفی در مورد آموزش زنان از یک طرف و افزایش امکانات آموزشی هرچه بیشتر برای آنان از طرف دیگر، در ارتقای سطح تحصیلات آنان کوشید.
- ۲- از آن‌جا که لایه‌هایی از افکار عمومی همچنان حوزه تصمیم‌گیری‌های کلان را در قلمرو مردان می‌دانند و در عمل نیز چنین است، باید از طریق آموزش‌های مدیریتی و تشویق زنان برای حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری و نیز پی‌گیری راهکارهای مناسب برای ورود آنان به مراجع تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های کلان‌کشور، مشارکت اجتماعی زنان را افزایش داد.
- ۳- اصلاح نگرش‌ها در جهت رفع تبعیض بین زن و مرد از طریق ابزارهایی چون مطبوعات، صدا و سیما و کتب درسی باید لحاظ گردد.
- ۴- آموزش والدین در جهت سهیم کردن فرزندان دختر و پسر خود به تساوی در مسئولیت‌های خانوادگی از زمان کودکی در این زمینه، هم موجب ایجاد نگرش مثبت نسبت به برابری جنسیتی می‌شود و هم مشارکت بیشتر زنان را در زندگی عمومی ارتقاء می‌بخشد.
- ۵- کمک‌های اقتصادی به فعالیت‌های تولیدی و تجاری زنان و تعاونی‌های آنان جهت توانمند ساختن آنان ارائه گردد.
- ۶- دولت نیز باید از سازمان‌های غیردولتی زنان حمایت کند.

منابع

- اسدی، علی؛ محسنی، منوچهر. گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۶.
- جلالی، عذرا. اثر اشتغال زن در خانواده‌های کارگری. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۱.
- دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری. سند چهارمین کنفرانس جهانی زن؛ کار پایه عمل و اعلامیه پکن. ترجمه علی آربن و علی میرسعید قاضی. تهران: دفتر امور زنان، ۱۳۷۵.
- دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی — سینمایی. حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- سازمان برنامه و بودجه. اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۷۸.
- شبکه ارتباطی سازمانهای غیردولتی زنان در جمهوری اسلامی ایران. گزارش ملی سازمانهای غیردولتی زنان در جمهوری اسلامی ایران، دسامبر ۱۹۹۹.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون اساسی مشروطیت.
- قرآن مجید.
- محسنی، منوچهر. بررسی آگاهیهها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی — فرهنگی در ایران. تهران: مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
- مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی - کل کشور. ۱۳۷۵.
- مرکز آمار ایران. نشریه اشتغال و بیکاری خانوار. آمارگیری از ویژگی‌های اشتغال و بیکاری خانوار، ۱۳۷۷.
- مرکز تحقیقات روستایی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی. بررسی اجتماعی و اقتصادی نقش زنان در روستای آهندان. تهران: زارت کشاورزی، ۱۳۶۹.
- مسعودی، امید. میزان رضامندی شغلی روزنامه‌نگاران زن رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
- مشهور، حسین. «بررسی جنبه‌هایی از اثرات اشتغال زن در خانواده‌های روستایی اطراف تهران»، نامه علوم اجتماعی. دوره ۲، شماره ۲، آذرماه ۱۳۵۵.
- مطیع، ناهید. بررسی نقش و پایگاه اجتماعی زن در جامعه روستایی ایران با تأکید بر منطقه ایوانکی.

- رساله فوق لیسانس، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- نبی‌زاده، راحله. بررسی میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهای مربوط به خانواده. رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴.
- وزارت فرهنگ و آموزش عالی (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی). آمار آموزش عالی ایران، سال تحصیلی ۷۶ - ۱۳۷۵. تیرماه ۱۳۷۶.

- Nashat, Guity. Women and Revo Lating in IRAN. Bouldes, Colonado: Westview Psens. 1983.